

ازدواج پنهانی که به طلاق رسید

گروه حوادث/ دادگاه خانواده این هفته میزبان پرونده زوج کم سن و سالی بود که برخلاف اغلب پرونده‌هایی که خانواده‌ها مخالف جدایی فرزندان شان هستند این بار والدین سمیرا و حسن آنها را به دادگاه فرستاده بودند تا مهر طلاق پایان دهنده تصمیم اشتباه‌شان باشد.

نیمساعتی از حضور این زوج ۲۰ و ۲۳ ساله نگذشته بود که منشی یکی از شعبات دادگاه آنها را به داخل شعبه هدایت کرد.

قاضی دادگاه همان طوری که با تلفن همراهش در حال صحبت بود، پرونده آنها را هم بررسی می کرد و وقتی تماسش پایان یافت گفت: کدام یک از شما می خواهید تعریف کنید که جریان چیست و چرا قصد جدایی دارید؟ ۳ ماه پیش عقد کرده‌اید و حالا طلاق توافقی؟!

سمیرا گفت: جناب قاضی یکسال پیش با حسن آشنا شدم و پس از چند ماه تصمیم به ازدواج گرفتم اما وقتی همسرم موضوع را با خانواده‌اش مطرح کرد، آنها عنوان کردند که راضی به ازدواج ما نیستند. پدر و مادر حسن نگاه ستنی به ازدواج دارند و دوست دارند که عروس‌شان را خودشان انتخاب کنند. از طرفی خانواده من هم می‌گفتند تا خانواده حسن به خواستگاری نیایند، حاضر به موافقت نیستند و ما نمی‌توانیم باهم زندگی کنیم. بعد از مدتی که علاقه من و همسرم به هم زیادتر شد و خانواده‌هایمان را مانع بزرگی در رسیدن به هم می‌دیدیم، حسن از من خواست تا مخفیانه باهم عقد کنیم و خانواده‌هایمان را مقابل عمل انجام شده قرار دهیم. آنقدر او را دوست داشتم که بدون تعلل پذیرفتم و چند روز بعد هم به دفترخانه‌ای که متعلق به دوست برادر حسن بود، رفتیم و بدون حضور خانواده‌هایمان عقد کردیم.

وی در ادامه در حالی اشک می‌ریخت، گفت: یک ماه بعد به طور اتفاقی پدرم شناسنامه‌ام را دید و شوکه شد. هنوز تصویر چهره‌اش را نمی‌توانم فراموش کنم. آنقدر خارش بد شد که نمی‌دانست چه بگوید و مجبور شدم ماجرا را برایش تعریف کنم. بعد از چند ساعت هم صدایم کرد و گفت من به تصمیمت احترام می‌گذارم اما تا زمانی که خانواده حسن موافقت نکنند، من او را به عنوان دامادم قبول نمی‌کنم و در اولین فرصت هم باید از او جدا شوی.

در ادامه قاضی رو به حسن کرد و پرسید: خانواده عروس حق دارند.

اما خانواده شما هم متوجه این عقد پنهانی شده‌اند؟

حسن پاسخ داد: بله وقتی پدر سمیرا متوجه موضوع شد، با پدرم تماس گرفت و همه چیز را گفت و پدرم هم تهدیدم کرد که اگر از سمیرا جدا نشوم، از ارث محروم می‌کند و در خانه‌شان جایی ندارم. جناب قاضی من نمی‌خواهم مقابل خانواده‌ام مقاومت کنم و ترجیح می‌دهم به این ماجرا خاتمه دهم.

سمیرا که از حرف‌های حسن ناراحت شده بود، گفت: بطور آن موقع که عقد نکرده بودیم، می‌گفتی آنقدر دوستت دارم که حاضرم برای رسیدن به تو باهمه حتی خانواده‌ام بجنگم اما حالا که متوجه شدی اگر با من باشی از ارث محروم می‌شوی، می‌خواهی به زندگی مشترک‌مان خاتمه دهی؟! اصلاً اگر قرار است با پول و مال و اموال قیاس شوم، بهتر است نباشم اما باید مهریه ۵۰۰ سکه‌ای من را پرداخت کنی و از یک ریال آن هم نمی‌گذرم. من بدون اجازه پدرم پای سفره عقد آمدم و پدرم را نابود کردم. تازه پس از آنکه متوجه ماجرا شد، با احترام به من گفت که اگر خانواده حسن موافق عقدتان باشند، من حرفی ندارم اما تو خیلی راحت به خاطر محروم نشدن از ارث، من را کنار می‌گذاری! برای خودم متاسفم که گولت را خوردم و زندگی‌ام را خراب کردم.

حسن در جواب سمیرا گفت: قرارمان این نبود که تو از مهریه‌ات سوء استفاده کنی. ما قرار گذاشتیم که به خاطر خانواده‌هایمان توافقی از هم جدا شویم. من دلم نمی‌خواهد تو را از دست بدهم اما خودت بهتر می‌دانی که خانواده‌ام من را تحت فشار گذاشته‌اند.

سمیرا گفت: من مهریه‌ام را می‌خواهم و هیچ وقت هم تو را که یک مرد فریبکار و سوء استفاده‌گر، نمی‌بخشم.

قاضی پس از شنیدن حرف‌های این زوج جوان گفت: شما باید تلاش‌تان را بکنید و دوباره با خانواده‌هایتان صحبت کنید. به نظر می‌رسد که شما همدیگر را دوست دارید و امیدوارم خانواده‌هایتان هم راضی شوند که شما در کنار هم زندگی کنید. اگر در این فرصت یک ماهه موفق شدید که هیچ وگرنه در جلسه بعد در مورد پرونده‌تان تصمیم می‌گیرم.

■ امیرحسین صفری؛ کارشناس حوزه خانواده

متاسفانه الگوبرداری از فرهنگ‌های غلط غربی و بی‌توجهی به خواسته‌های فرزندان توسط خانواده‌ها اصلی‌ترین دلیل این طلاق زودهنگام بود. این زوج درگیر یک وابستگی عاطفی زودگذر شده و با الگو گرفتن از فرهنگ‌های غلط دست به ازدواج پنهانی زدند. آنها باید می‌دانستند که این کار صد درصد اشتباه است و تقلید از فرهنگی غلط جز رسوایی و ایجاد تشنج روانی برای آن‌ها و خانواده‌هایشان ثمره‌ای ندارد.

دستگیری کلاهبرداران واتسای

گروه حوادث/ اعضای یک باند کلاهبرداری که با ترند پرنده شدن در قرعه کشی از مردم کلاهبرداری می‌کردند، توسط پلیس فتای استان البرز دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، به دنبال شکایت تعدادی از شهروندان به پلیس فتا آنها مدعی بودند که فردی پس از تماس از طریق واتساپ عنوان کرده که شماره تلفن شما به علت خوش حسابی در قرعه‌کشی شرکت همراه اول برنده ۹ میلیون تومان شده است. یکی از مالباختگان گفت: فردی که مدعی بود نماینده یکی از اپراتورهاست از من خواست که پای دستگاه عابربانک بروم و بعد از گرفتن اطلاعات حسابم طرف چند دقیقه حسابم را خالی کرد.

در ادامه کارشناسان پلیس فتا کار شناسایی کلاهبردار واتسایی را آغاز کردند و مشخص شد متهمان این پرونده‌ها به‌صورت بانندی و از طریق واتساپ با افراد تماس گرفته و برای جلب اعتماد شهروندان، از لوگوی سازمان صداوسیما به‌عنوان تصویرپروایل خود استفاده کرده و شهروندان نیز پس از مشاهده عکس پروفایل کلاهبرداران اعتمادشان جلب می‌شد. همچنین مشخص شد که متهمان پس از خالی کردن حساب‌ها از طریق دستگاه پوز فروشگاهی کالا، کارت هدیه و سکه می‌خریدند تا ردی از خود برجای نگذارند. در ادامه کارشناسان پلیس فتا موفق شدند یکی از کلاهبرداران را دریاغ ویلایی در کرج شناسایی و دستگیر کنند. در بازرسی از مخفیگاه وی تعدادی گوشی تلفن همراه و کارت بانکی به اسم افراد مختلف کشف شد. متهم پس از انتقال به پلیس فتا به جرم خود مبنی بر کلاهبرداری از شهروندان با همدستی ۱۳ نفر دیگر اعتراف کرد و گفت: ۱۰ نفر از آنها مسئول افتتاح حساب، رابط و نقد کننده وجوه واریزی بودند و ۲ نفر دیگر نیز با عنوان سرکرده باند هماهنگی‌ها را انجام می‌دادند، که با اقدامات پلیس سایر اعضای این باند نیز شناسایی و دستگیر شدند.

سررهنگ رسول جلیلیان سرپرست پلیس فتای استان البرز در این باره گفت: چنانچه افرادی با این شیوه مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند برای طرح شکایت خود به پلیس فتا استان البرز واقع در میدان طالقانی کرج –جنب پزشکی قانونی مراجعه کنند. اعضای این باند تاکنون از این طریق بیش از یک میلیارد تومان کلاهبرداری کرده‌اند و تلاش برای شناسایی مالباختگان ادامه دارد.

- چهارشنبه ۳ دی ۱۳۹۹
- سال بیست و ششم
- شماره ۷۵۲۴

سکوت قناری و کنجکاوی همسایه راز ۴ مرگ را فاش کرد

گروه حوادث/ آواز نتواندن قناری و

کنجکاوی زن همسایه راز دو حادثه مرگبار گازگرفتگی در تهران را فاش کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، نخستین حادثه روز ۱۴ آذر رخ داد. زمانی که همسایه‌ها متوجه شدند برخلاف روزهای قبل صدای آواز قناری همسایه‌شان به گوش نمی‌رسد به موضوع مشکوک شدند و به سراغ صاحب قناری که زنی ۷۰ ساله بود رفتند اما هرچه در زدند کسی جواب

نداد یا این حال احتمال دادند وی همراه خواهرزاده‌اش که میهمان خانه وی بود بیرون رفته باشد.

اما ساعتی بعد زنگ خانه یکی از همسایه‌ها به صدا درآمد. دختر پیرزن نگران و مضطرب گفت: هر چه با مادرم تماس می‌گیرم جواب نمی‌دهد به خانه‌اش آمدم اما در راه باز نمی‌کند خیلی نگرانم شما مادرم را ندیده‌اید؟ زن همسایه که خود نیز به ماجرا مشکوک شده بود، بلافاصله با پلیس تماس گرفته و زمانی که مأموران وارد خانه شدند با جسد پیرزن در اتاق پذیرایی و جسد

که این دو برادر همسایه طبقه دوم ما هستند. یکی از آنها ۳۳ ساله و دیگری ۳۵ ساله است و معمولاً آنها میهمان داشتند و اگر هم از میهمان خبری نبود، صدای تلویزیون و حرف زدن‌هایشان را می‌شنیدیم. اما ۲۴ ساعتی بود که هیچ سر و صدایی از آنها نمی‌آمد و همین مسأله شک مرا برانگیخت.

او ادامه داد: من بیرون رفتن آنها را ندیده بودم و برای همین مطمئن بودم که آنها در خانه هستند. برای اطلاع از حال و احوال آنها خودم را به طبقه بالا رساندم. قسمتی از در ورودی خانه‌شان شیشه‌ای است و زمانی که از شیشه نگاه کردم متوجه شدم که دو برادر داخل پذیرایی خوابیده‌اند. ما هر چه به شیشه زدم، دیدم که تکان نمی‌خورند

و همین مسأله مرا ترساند. موضوع را به همسایه‌ها خبر دادم و با کمک آنها شیشه را شکستم که ناگهان بوی گاز شدیدی به مشام رسید. با ورود به خانه با جسد دو برادر مواجه شدیم.

با مرگ دو پسر جوان به دستور بازپرس واحدی اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای علت گاز گرفتگی ادامه دارد.



گروه حوادث/ دو برادر که به اتهام قتل فروشنده یک بوتیک پای میز محاکمه ایستاده بودند جزئیات این جنایت را فاش کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۸ با گزارش درگیری مرگبار در یکی از بوتیک‌های منطقه ورامین آغاز شد. پس از دریافت این گزارش، مأموران بلافاصله خود را به محل نزاع رساندند و بعد از بررسی‌های اولیه و گفت‌وگو با شاهدان مشخص شد که دو برادر به نام‌های سیامک و سیاوش پس از درگیری با مرد فروشنده به نام ارسلان او را به قتل رسانده‌اند. در ادامه، دو برادر به اتهام قتل عمد بازداشت شدند. تحقیقات نشان داد سیامک سال‌هاست که به مواد مخدر اعتیاد دارد و چندین بار هم به‌خاطر حمل مواد مخدر زندانی شده و به تازگی پس از ۵ سال از زندان آزاد شده و برادرش سیاوش نیز در این درگیری او را کمک کرده است.

در نهایت بعد از بازبینی دوربین‌های مداربسته و اظهارات شهود، مأموران کیفرخواست علیه این دو برادر را صادر کردند و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده ابتدا اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند از سوی خود و دو

نوه‌شان درخواست صدور حکم قصاص کردند. در ادامه وکیل اولیای دم در جایگاه قرار گرفت و گفت: سیامک برای خرید لباس وارد مغازه شده و برسر قیمت با صاحب مغازه جر و بحث کرده و پس از درگیری، ارسلان که در آن مغازه فروشنده بوده برای پایان دادن به درگیری وارد ماجرا شده اما سیامک که خودش جاقو داشته برادرش سیاوش را هم خبر می‌کند و هردو با ارسلان درگیری می‌شوند و او را به قتل می‌رسانند. براساس گفته‌های شهود و اظهارات متهمان و همین‌طور فیلم دوربین مداربسته مغازه، دو برادر با ضربات متعدد چاقو مقتول را به قتل رسانده‌اند. به همین دلیل اولیای دم همان‌طور که گفته‌اند درخواست قصاص هردو متهم را دارند.

در ادامه سیامک به عنوان متهم ردیف اول به جایگاه رفت و گفت: درگیری از طرف صاحبکار مقتول شروع شد و آنها ابتدا حمله کردند و مرا زدند، بعد برادرم آمد تا مرا نجات دهد و درگیری را تمام کند که آنها به او هم حمله کردند. پس از آن به‌خاطر ترس و دفاع از جانمان ضربه‌ای به کتکش زدم که ظاهراً آن ضربه باعث مرگ مقتول شد. من ضربه را به قصد کشتن او نزدم و فقط هدفم خراج شدن از آن محیط بود. مقتول همین‌طور که داشت من را می‌زد ضربه به شاهرگش خورد. از اولیای



او را بیشتر بداند.

مرد جوان گفت: با همدستی دو نفر از دوستانم اسلحه اسباب بازی تهیه کردیم و یک خودرو اینترنتی را زدندیم. ما از قبل با فتانه هماهنگ بودیم. طبق قرار او با مادرشورش از خانه به بهانه خرید خارج شد تا ما او را مقابل چشمان مادرشورش بدزدیم. بعد از بیودن هم او را به خانه یکی از دوستانش بردیم و الان هم فتانه خانه دوستش است.

با اطلاعاتی که مسعود در اختیار تیم تحقیق قرار داد بلافاصله مأموران پلیس راهی خانه دوست فتانه شده و زن جوان را در آنجا پیدا کردند. فتانه در تحقیقات گفت: وقتی شوهرم به خواستگاری‌ام آمد ازدواج قبلی‌اش یک بچه داشت اما من ازدواج نکردم بودم. با این حال شرایطش را پذیرفتم و ازدواج کردیم. اما این اواخر جلال معتاد شده بود و مرا کتک می‌زد. بیشتر پولش را صرف خرید مواد مخدر می‌کرد هر چه با او و خانواده‌اش صحبت کردم که دست از این کارهایش بردار بی‌فایده بود. در نهایت تصمیم گرفتم همسرم را تنبیه‌کنم تا شاید در رفتارش تجدیدنظر کند.

با اعتراضات فتانه و مسعود تحقیقات برای دستگیری دو همدست دیگرشان ادامه دارد.

طبابت با مهر جعلی خانم دکتر



گروه حوادث/ زن جوان که با سوءاستفاده از مهر و شماره نظام پزشکی یک دکتر ساکن استرالیا طبابت می‌کرد با پیگیری‌های این خانم دکتر به دام افتاد.

سیدباقر طباطبایی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان علی آبادکتول در تشریح این خبر به میزان، گفت: این متهم با استفاده از مشخصات و شماره نظام پزشکی فردی که چندسالی است ساکن استرالیااست، در یکی از درمانگاه‌های بخش خصوصی علی آباد

طبابت می‌کرد. وی درباره نحوه شناسایی و دستگیری خانم دکتر قلابی گفت: چندی قبل یکی از پزشکان متخصص استان گلستان با مشاهده نسخه‌یکی از بیمارانش

و مهری که پای نسخه خورده بود به ماجرا مشکوک شد چرا که مهر و شماره نظام پزشکی متعلق به یکی از هم دانشگاهی‌های قدیمی او در دانشکده پزشکی بود که چندسالی است خارج از کشور زندگی می‌کند. از آنجا که وی می‌دانست این خانم دکتر در ایران زندگی نمی‌کند موضوع را پیگیری کرد و در تماس با وی ماجرای نسخه بیماراش را به او خبر داد.

بدین ترتیب پزشک ساکن استرالیا پس از متوجه شدن موضوع در نامه‌ای به نظام پزشکی شهرستان امل اجرای این پزشک را که با شماره نظام پزشکی و مشخصات او طبابت می‌کند، پیگیری شد و به این ترتیب هویت پزشک قلابی لو رفت. طباطبایی در ادامه گفت: با پیگیری ماجرا پزشک قلابی دستگیر شد و در نخستین جلسه دادگاه، وی علاقه زیاد به رشته پزشکی و طبابت را انگیزه خود از این کار عنوان کرد. همچنین مشخص شد این پزشک قلابی از یک ماه قبل کار طبابت را در یکی از درمانگاه‌های این شهرستان آغاز کرده بود و هم اکنون پرونده او به اتهام تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق تجویز دارو بدون داشتن مدرک پزشکی و استفاده غیرمجاز از عنوان علمی دکتر در دادسرای علی آباد در حال رسیدگی است.

دم طلب بخشش دارم، اما برادرم نقشی در قتل نداشت.

پس از اظهارات متهم اصلی پرونده، سیاوش به عنوان متهم بعدی به جایگاه رفت و گفت: من اتهام مشارکت در قتل را قبول ندارم. من در نزدیکی محل حادثه یک مغازه قصابی دارم، کاسب و آبرودار هستم و هیچ سابقه کیفری هم ندارم. روز حادثه برادرزاده کوچکم درحالی که بشدت ترسیده بود و داشت گریه می‌کرد به مغازه‌ام آمد و گفت عمو بیا چند نفر می‌خواهند بابام را بکشند. من هم هراسان با برادرزاده‌ام به محل حادثه رفتم و دیدم چند نفر سر برادرم ریختند و او را به قصد کشتن می‌زنند. برادرم تنها بود و نمی‌توانست مقاومت کند. من سعی کردم به برادرم کمک کنم و کسانی را که در درگیری بودند، کنار بزنم ولی آنها به من وارد حمله کردند و هردوی ما را زدند اما من ضربه‌ای از آنها نزدم و اتهامی را که به من وارد شده قبول ندارم. دوربین‌های مداربسته هم همه چیز را ضبط کرده است اگر نگاه کنید می‌ببید که من ضربه‌ای نزدم. برادرم هم چاره‌ای نداشت اگر نمی‌زد او را می‌کشتند.

با پایان جلسه دادگاه، قضات برای صدور رای وارد شور شدند.

سگ های نگهبان ۲ شرورا راهی بیمارستان کردند

گروه حوادث/ دو متهم که برای فرار از دست پلیس به یک باغ پناه برده بودند از سوی سگ‌های نگهبان باغ زخمی و راهی بیمارستان شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی پیش تعدادی از اشرار سابقه دار شهر تهران با نوجوه پروری و کری خوانی در فضایی مجازی و انتشار کلیپ‌هایی از شرات‌هایشان در شبکه‌های اجتماعی موجب رعب و وحشت شهروندان شده بودند که بلافاصله بررسی موضوع در دستور کار تیمی از مأموران مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ قرار گرفت. سرهنگ «سعید راستی»، رئیس مرکز عملیات پلیس امنیت عمومی تهران در تشریح این خبر بیان داشت: در تحقیقات میدانی و رصدهای اطلاعاتی، مخفیگاه متهمان در چند نقطه از شهر تهران شناسایی و ششجه بررسی‌های پلیس در اختیار مقام قضایی قرار گرفت. دو تن از متهمان در یک عملیات پلیسی در مخفیگاهشان در حوالی شهرری در حالی که قصد تغییر مکان داشتند، دستگیر شدند و از مخفیگاهشان چند قبضه سلاح سرد کشف و هر دو متهم برای تحقیقات تکمیلی به پلیس امنیت عمومی تهران منتقل شدند. این مقام انتظامی تصریح کرد: با دستگیری این دو شرور، تلاش برای بازداشت ۲ همدست آنها ادامه یافت که در رصدهای اطلاعاتی مأموران دریافتند که دو شرور دیگر از ترس گرفتار شدن در دام پلیس به یک باغ شخصی در حوالی کهریزک گریخته و قصد مخفی شدن در این باغ را دارند.

بنابراین مأموران راهی این باغ شدند اما پیش از اینکه پلیس وارد مخفیگاه متهمان شود، توسط سگ‌های نگهبان بدون قلابه این باغ مورد حمله قرار گرفته و از ناحیه بازو و پا پشت مصدوم شده بودند که در نهایت با حضور نیروهای امدادی برای ارائه خدمات درمانی به بیمارستان منتقل شدند. این مقام پلیسی اضافه کرد: هر ۴ متهم پس از تکمیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به دادسرا معرفی شدند.